



میرویس نیکه یک زعییم ملی

افغانستان زعمای نامداری را در دامان خود پرورش داده است که هر یکی از ایشان با تقدیم خدمات فراموش ناشدنی به مردم و میهن، نام خود را ماندگار ساخته اند. شناسایی این چهره‌ها وظیفه همه ماست، تا از یک طرف کارنامه‌های ایشان را زنده نگه داریم و از جانب دیگر زنده گی آنها را الگو قرار دهیم و نقش قدم شان را در زنده گی تعقیب کنیم.

میرویس خان یکی از این زعما و قهرمانان ملی سرزمین ماست. نامبرده در آزادی وطن از چنگال دشمنان نقش بزرگی داشته است. به همین سبب، نام وی در صفحات تاریخ میهن ما با خط زرین نوشته شده است.

میرویس خان در سال ۱۰۸۴ هـ.ق. / ۱۶۷۳م. تولد گردیده است. پدرش شالم خان (شاه علم خان) نام داشت که یکی از بزرگان شناخته شده قوم هوتک به شمار می‌رفت. مادرش (نازو انا) دختر سلطان ملخی توخی بود. نازو انا فرزند خود را با طهارت شیر می‌داد و با ارزش‌های دینی و ملی وی را بزرگ نمود. میرویس خان در جوانی خود بیشتر علوم متداوله وقت را فرا گرفت. زبان‌های پشتو، فارسی و عربی را به سطح ادیبان آموخت. پس از تحصیلات به

تجارت مشغول گردید، اموال تجارتي را از خراسان به هندوستان و از آن جا به وطن نقل و انتقال می داد، در پیشه تجارت علاوه از مفاد مادی، از حالات و اوضاع مردمان سایر کشورها نیز باخبر می گردید.

زمانی که شاه حسین صفوی در سال ۱۱۰۶ هـ. ق. / ۱۶۹۴ م. در ایران پادشاه شد، گرگین را که تازه مسلمان شده بود، به حیث نماینده حکومت خود به قندهار فرستاد. گرگین بسیار انسان ظالم و بی رحم بود، بسیاری از بزرگان افغان توسط گرگین به قتل رسیدند، کسی نبود که فریاد مردم بی گناه را بشنود، صدای مردم به هیچ جایی نمی رسید. یگانه امید مردم به سوی میرویس خان بود. مردم به او رو آوردند و میرویس خان هم به تقاضای مردم خود لیبیک گفت، تجارت را کنار گذاشت و به خدمت وطن کمر بست. در قدم اول میان مردم وحدت ملی را ایجاد کرد و سپس خود را به گرگین نزدیک ساخت؛ اما گرگین بالای وی بی اعتماد گردید و در سال ۱۷۰۷ م. او را به اصفهان فرستاد و به طور مخفیانه به شاه حسین خبر داد که او را نظر بند کند.

شاه حسین صفوی میرویس خان را در آن جا بندی کرد؛ اما میرویس خان با استعداد خدا دادش در دربار اصفهان نفوذ کرد. میرویس خان با داشتن فهم عالی و منطق قوی نه تنها از حبس رها شد؛ بلکه با احترام و تقدیر اجازه رفتن به حج را نیز دریافت. بعد از ادای فریضه حج به اصفهان برگشت و فرمان مقررری به حیث مشاور گرگین و شاروال را به دست آورده، دو باره به قندهار عودت نمود.

میرویس خان در قندهار برای قیام مردمی یک جرگه خواست و فرامینی را صادر نمود. در قدم اول بلوچان، قبایل (ترین و کاکر) را تحریک کرد تا از دادن مالیات به حکومت صفوی خودداری نمایند. آن ها این کار را انجام دادند. گرگین لشکر شش هزار نفری را به طرف بلوچستان اعزام کرد و خودش نیز به آن جا رفت و از میرویس خان هم خواست تا به آن جا برود. میرویس خان همراه با هفت هزار عسکر افغان خود را به آنجا رساند. در هنگام شب بالای گرگین حمله کرد و گرگین را با همه قوایش نابود ساخت. خودش لباس های گرگین را به تن کرد و لباس های لشکریان کشته شده گرگین را به نیروهایش پوشاند. وقتی که قوای امنیتی شهر قندهار نیروهای خود را در حال برگشت دیدند، دروازه شهر را به روی شان باز نمودند. میرویس خان داخل شهر قندهار گردید و بالای نیروهای ایرانی یورش برد. شهر را تصرف نمود و جرگه ملی را فرا خواند. جرگه میرویس خان را در سال ۱۱۱۹ هـ. ق. (۱۷۰۹ م.) به حیث زعیم خود تعیین نمود.



میرویس خان بعد از اینکه به حیث زعیم ملی مردم تعیین گردید، دیوارهای شهر قندهار را ترمیم کرد، غله‌ها را جمع آوری نموده، مردم را فرا خواند و چنین گفت:

«اگر در میان شما کسانی باشند که این آزادی، نعمت بزرگ خداوند را که ما با آسانی حاصل نموده ایم خوش نداشته باشند، خود را معرفی کنند و از این جرگه بیرون شوند، هیچ کسی با آنان کاری ندارد. این چنین اشخاص می‌توانند جدا از دایره آزاد این ریاست، برای خود یک پادشاهی ظالم برگزینند.»

میرویس خان پس از به دست آوردن قدرت، امور اداری و تشکیلاتی قندهار را تنظیم نمود، با قبیله ابدالی‌ها روش‌های آشتی را جستجو نمود، بلوچ‌ها را ستایش کرد، غرض نزدیک ساختن رابطه با دربار گورگانی هند مناسبات تجارتي و داد و گرفت را شروع نمود. این مرد بزرگ بعد از آزاد سازی وطن و تنظیم امور قندهار به تاریخ ۲۸ ذی الحجه سال ۱۱۲۷ هـ.ق. (۱۷۱۵م.) از جهان فانی چشم بست و به ابدیت پیوست و در نزدیک شهر قندهار در منطقه کوکران دفن گردید. افغان‌ها میرویس خان را به پاس خدمات وی به لقب «نیکه» یاد می‌کنند. از سخنان مشهور میرویس خان: «هرگاه شما یکی نشوید، یوغ بیگانه را از شانه‌های خود دور ساخته نمی‌توانید!»



شاگردان در باره مهمترین خصوصیت‌های یک زعیم ملی ابراز نظر کنند.



- ۱- از نظر شما به دست آوردن آزادی وطن کار آسان است و یا نگهداری آن؟
- ۲- چگونه می‌توانیم از همین حالا برای خدمت به وطن آماده شویم؟
- ۳- این گفتار: «یا یک دست می‌شویم، یا نابود می‌شویم!» چه مفهوم دارد؟ شاگردان با رضایت خود این گفتار را توضیح دهند.



شاگردان در مورد این که فهمیدن زنده گینامه بزرگان ملی چه فایده دارد یک مقاله بنویسند.

